

1. اسلام و تمدن اسلامی:

او علل عقب ماندگی کشورهای مسلمان را در جنبه های مختلف را ارتباط ضروری میان واقعیت های دینی و موفقیت های دنیوی می دانست و معتقد بود تعالیم اسلام و توصیه های اخلاقی آن به گونه ای است که اگر به خوبی فهمیده شود و کاملاً رعایت شود به سعادت دنیوی و اخروی منجر خواهد شد و اگر نفهمیم و پیروی نکنیم نتیجه اش ضعف و انحطاط و بربریت خواهد بود.

وی با بررسی تمدن غرب به برخی وجوه اشتراک میان اسلام و تمدن جدید می پردازد و متذکر می شود که برخی از این وجوه در تمدن اسلامی وجود دارد که مورد غفلت مسلمانان واقع شده است.

2. دین و دانش امروز:

وی به دلیل فهم و آگاهی خاص خویش مقابله اسلام با تمدن جدید و قبول میزانی دستاورد های آنر به منظور نیرومند ساختن اسلام ضرورتی انکار ناپذیر می دانست. با این اوصاف او این ضرورت را بر اساس مبادی و اصول اساسی اسلام توضیح و تجویز می کرد. به عنوان نمونه در اسلام تلاش های مثبت، جوهره این دین محسوب می شود و این معنای واژه جهاد است اما تا وقتی که مسلمانان دارای توانایی و نیروی لازم نباشند ادای این فریضه غیر ممکن است. در حال حاضر مسلمانان در جهاد جدید قوی و نیرومند نخواهند شد مگر اینکه علوم و فنون جدید را از غرب اقتباس نمایند. از این رو چون مقدمه واجب واجب است یادگیری و و تکنولوژی های جدید به شیوه های نوین واجب است.

رشید رضا طرفدار پیوند میان دین و علم است. او در تلاش بود میان اندیشه های داروین و اسلام پیوند برقرار کند و فهم درست اندیشه های داروین و اسلام را شرط چنین تلفیقی می دانست.

در نظر رشید رضا احیای مجد و اسلامی اصل بود و در این راه هر آنچه را مفید می دانست به کار می بست تا بتواند به این مهم نایل شود

3. تسامح مذهبی:

رشید رضا هم برای بنیادگرایی و هابیت و هم برای دگراندیشی افراطی سید جمال احترام قائل بود. وی به ایجاد وحدت بین مسلمانان می اندیشید به نظر وی توفیق اروپایی ها جایگزین ساختن اصل ملیت گرایی به جای دین بود. مسلمانان با وحدت و اعتقاد به دینشان می توانند به چنین اصلی دست یابند. منظور از وحدت اسلامی تالیف قلوب بین کسانی است که یکدیگر را به عنوان معتقد پذیرفته و تحمل می کنند و وحدت نیازمند راستگویی عمل به اسلام واقعی است که پیامبر ص و سلف آن را بیان کرده اند و اجماع واقعی و معتبر اجماع آن نسل است.

• گرایشهای سلفی و عربی

2) رشید رضا ناگزیر بود ضمن تمایز میان خلافت خلفای راشدین و متغلبه، خلافت آرمانی مورد نظرش (خلافت راشدین) را به نوعی با ملی گرایی روبه رشد عصر خویش سازگار کند. مسائل جدید پیش رو، الگوی اندیشه سیاسی او را متمایز از افکار قدیم می کند.

2. مبانی فقهی و حقوقی:

1) اجماع بر خلافت: رشید رضا در مبحث خلافت و وجوب آن علاوه بر اصل حکومت به شکل و نوع آن نیز توجه دارد و مستند این اجماع را نه عقل بلکه شرع می داند. یعنی وجوب خلافت را وجوب نفسی می داند. از نظر او تشکیل حکومت بنا به دلایل شرعی و عقلی بر امت واجب است و وجوب حکومت صرفاً ناشی از خداوند نیست. (انگونه که فقه سیاسی شیعه بدان قائل است)

2) رشید رضا با تأکید بر وجوب شورا در شکل گیری امامت با اندیشه ماوردی و فقه الخلافه سنتی فاصله می گیرد. تأکید بر وجوب شورا از سوی رشید رضا از موارد مهم تمایز میان وی و دیگران است. او با نفی صلاحیت خلیفه برای تعیین جانشین آینده اقتدار خلیفه را شکسته و شورا را به عنوان مرجع صلاحیت در تعیین ولی و عزل او معرفی میکند.

3) ولایت اهل حل و عقد: وی اهل حل و عقد را اهل شورا و مصداق اولوالامر می داند که با بیعت آنها امامت (امام = خلیفه) منعقد می شود. پذیرش استخلاف و تعیین جانشین نیز منوط به رضایت آنها است.

4) اصل بیعت: با تأکیدی که بر نقش اهل حل و عقد شد، بیعت از جمله اصول نظام برای خلافت محسوب می شود. پس از مشورت اهل حل و عقد از یک طرف و امام منتخب از سوی دیگر، قراردادی به نام مبايعه منعقد می شود. لذا بیعت قراردادی دوجانبه و مشروط (به شرایط تعیینی از سوی اهل حل و عقد) است.

5) از نظر او اگر چه احیای خلافت ضروری است اما چون خلیفه معصوم نیست پس باید درکنار نهاد خلافت روش ها و راهها و تشکیلات جدیدی پیش بینی کرد که محدود نمودن خلیفه و وادار کردن او به رعایت قوانین و اصل شورا باشد.

3. نهاد های حکومت

1) خلیفه

2) شورای

4. خلافت قهری

وی حکومت متغلبه و قهری را می پذیرد. رشید رضا بنا به توجیهاتی، مصلحت را در این می بیند که در شرایطی خاص جامعه اسلامی ناگزیر از تمکین در برابر چنین حاکمی است. خلافت آرمانی و خلافت بالفعل که خود دو دسته است یکی امامه الضروره و دیگری تغلبه.

خلافت آرمانی: به اتفاق آرای اکثر مسلمانان فقط در عهد خلفای راشدین و چند خلیفه پارسا همچون عمر بن عبدالعزیز محقق شده است.

حکومتی که با قهر و غلبه برپا می شود و متکی به همبستگی قبیله‌ای و خانوادگی جایی برای تصویب انتخاب کنندگان وجود ندارد.

➤ حکومت اسلامی(رشید رضا وقتی از یافتن خلیفه ای مناسب مأیوس می شود به حکومت اسلامی می پردازد)
1. اهداف و مبانئ:

1) عقیده: این هدف به امور مهم دینی برای حاکمیت سیاسی مربوط است و در حقیقت تبیین بین میان دین و سیاست است

(3) **اتصالیه:** این مهم ناظر به مسئولیت حکومت اسلامی در حفظ وحدت و پیوستگی جامعه اسلامی از طریق رسانه ها ، تعلیم و تربیت ، اطلاع رسانی و حفظ و حراست از آرمانهای اسلامی سیاسی در جامعه ، حکومت ، نقش عناصر پیوند دهنده سیاسی در آن (امت ، اهل حل و عقد و حاکم) و پیامدهای طغیان علیه دین در سطوح سیاسی و اجتماعی و مسادل حقوقی و قضایی

در حکومت اسلامی مورد نظر رشید رضا از اصل شورا، نظارت علما، حق خلع خلیفه، و بیعت به حاکمیت دموکراتیک و از اصل اجتهاد، قواعد کلی فقهی و تفکیک میان عبادات و معاملات و به ویژه

وضع قوانین نو در معاملات به هیئت های قانون گذاری جدید تاویل می شود. رشید رضا اصول ذیل را در حکومت مورد نظرش جاری می داند:

- (1) اصل اجتهاد
- (2) حفظ حقوق اقلیتها
- (3) اصل ارشاد و آموزش دینی
- (4) برابری مردان و زنان در امور رهبری جامعه ، امامت جمعه و جماعت به جز در مورد 
- (5) بهره بانکی به عنوان ما به ازای خدمات که از حالت ربا خارج شده و مشروعیت می یابد.
- (6) قائل نبودن به مجازات مرگ برای ارتداد چرا که فاقد مبنای قرانی است.
- (7) ممنوعیت تجسس در عقاید دیگران
- (8) اصل آزادی انتخاب و تعیین سرنوشت